

شعری از یوسفعلی میرشکاک + زندگینامه

۳۰ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۲:۱۶

همکاری با مراکز فرهنگی سپاه پاسداران ، بنیاد امور مهاجرین ، بسیج سپاه پاسداران شوش دانیال و حوزه هنری از جمله فعالیت‌های او در عرصه فرهنگی است . میرشکاک در اوایل انقلاب در روزنامه جمهوری اسلامی و در ستونی با عنوان «صدای سرخ شاعران مسلمان» به معرفی و مصاحبه با شاعران انقلاب پرداخت

یوسفعلی میرشکاک در بیستم شهریور ۱۳۳۸ در روستای خیرآباد بن معلا در بخش لرستان خوزستان و از توابع شوش دانیال متولد شد . او از سال ۵۸ ساکن تهران شد و همکاری خود را با روزنامه جمهوری اسلامی آغاز کرد . وی از زمره شاعرانی است که در نخستین شب شعر انقلاب که در تهران در سال ۵۸ برگزار شد شرکت کرد و به شعرخوانی پرداخت . همکاری با مراکز فرهنگی سپاه پاسداران ، بنیاد امور مهاجرین ، بسیج سپاه پاسداران شوش دانیال و حوزه هنری از جمله فعالیت‌های او در عرصه فرهنگی است . میرشکاک در اوایل انقلاب در روزنامه جمهوری اسلامی و در ستونی با عنوان «صدای سرخ شاعران مسلمان» به معرفی و مصاحبه با شاعران انقلاب پرداخت

[برای جعفر نجیبی نقاش گرانسنگ معاصر](#)

رنگ های تو خون و زندگی اند
پسر قله های سرد سهند !
شعرهای مرا به رنگ درآر
در حصار تخیل افسردند .

اسبهایی که خفته در دل من _
سالها در طویله ی کلمات _
مانده بودند، شیشه سر دادند _
روی بوم تو شعر یعنی این
خاک و خورشید را گره دادن

رنگ های تو رنج های منند
اسبهایی که آرزو ماندند
خلوت دشت را به هم نزدند
همچو آینه های پر زغبار
با من خسته روبرو ماندند

در تو روحی غریب می خواند
بوم ها را به زندگی بودن
رنگ ها را به شعله ور کردن .
طرحی از خوف شعر من بردار
تا خط روشن خطر کردن

گردباد رهایی ابدی ست
خون آهن گداز جوشانت
عاشیق اصلا ن رنگ ها جعفر !
قصه گوی جنون و خون نبی ست
ساز طرح و خط خروشاننت .

مردم چنلی بل به من گفتند :
زخم عاشق، حصار می طلبد
خواب قیرآت را کوراوغلی باش
جاده مرگ سوار می طلبد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۲۶۳/زندگینامه-میرشکاک-یوسفعلی-شعری>